

## اسناد و تاریخ تازه دراز

# سید جمال الدین اسدآبادی

در شماره قبل دونا مه ازنامه های سید جمال الدین اسدآبادی را خطاب به حاج محمد حسن امین الضرب» مطالعه فرمودید . در آن دونا مه سید اذاینکه مقامات رسمی کشور او را به ایران دعوت کرده، و حتی وعده همه گونه احترام و پذیرفتن نظریات ارشادیش را به او داده اند ، ولی وقتی بایران آمده و از وضع نابسامان مملکت و استبداد قجری انتقاد کرده ، مورد همه گونه بی مهری قرار گرفته و افراد رذل و فرمایه ای، هر گونه تهمت و افترائی را با او بسته اند؛ سخت ناراحت است ...

و در سه نامه دیگری که در این شماره میخوانید ، سید جمال الدین از چگونگی تبعید خود از حضرت عبدالعظیم و سپس از شایعات و اداجیف و تهمتهای ناجوانمردانه او باش زمان سخن میگوید ...

سید در این نامهها از رفتار ضد بشری و شرم آور عمال حکومت استبدادی وقت، که حتی حرمت اماکن مقدسه را رعایت نکرده اند شکوه میکند و این مدعیان دروغین مسلمانی را رسوا میسازد که پوشش «اسلام پناهی» هم داشتند و آنگاه پاسخ کسانی را میدهد که در همان زمان «ساله علی علیه السلام» را ارمنی و نامختون شهرت داده بودند ! (۱) .

(۱) : در زمان ماهم ساله همان «اشقیاء» ! همان تهمت های ناجوانمردانه را تکرار

کرده و به این سید بزرگوار نسبت میدهند ...

این سه نامه هم جزو اسناد خانه امین‌الضرب بود و اخیراً کشف شد (۲) و در مجموعه «اسناد ومدارك چاپ نشده درباره سید...» آمده است. نمونه‌ای از دستخط خود سید جمال‌الدین را هم در این شماره ملاحظه میکنید.

توجه به این نکته ضروری است که اهمیت نامه‌های سید جمال‌الدین بیشتر از این ناحیه است که نویسنده آنها خود سید، شاهد عینی رخدادها و حوادث گوناگون ناشی از کوششها و فداکاریهای خود بوده و چون این نامه‌ها جنبه خصوصی داشته، طبیعتاً از هر گونه اغراق و دوری از حقیقت، برکنار است و اصولاً **نامه‌های خصوصی** همواره بهتر میتواند چهره حقیقی، عظمت روحی و شخصیت معنوی نویسنده آنها را بخوبی روشن سازد.

**اینک متن سه نامه دیگر:**

\* \* \*

## پایداری و ثبات قدم

جناب نیرالفؤاد حاج محمد حسن امین ثبت الله قلبه علی الحق را سلام باد.

این واقعه مهوله محض از برای آن بود که مسلمانان ایران بدانند که من تا هر درجه بجهت اصلاح حال صوری و معنوی ایشان ثابت و پایدار بودم (و انشاء الله الرحمن تا رسیدن بمقصود نیز ثابت خواهم بود) و دیگر آنکه ضعیف‌الایمان‌ها **عدل الهی** را در ظالمان فیما بعد ملاحظه کنند و سزای ستمکاران را بچشم خود درآئی بنگرند، شاید ایمان ایشان قوی گردد و بحق باز آیند.

تفصیل واقعه را و اصناف ستم سلاله اشقیاء کوفه و شام را فیما بعد خواهم نوشت.

دیگر جناب حسام الملك والی کرمانشاه آنقدر مهربانی کرد، با آنکه اسم مرا هم نمی‌دانست که میتوانم بگویم که يك سرشت پاك دیگر هم چون شما در ایران دیدم. جناب ملك التجار اسلام و فاضل را هرگز فراموش نخواهم کرد. حالا همینقدر کافی است والسلام.

### جمال‌الدین‌الحسینی

الحق - الحق آقا ملا علی از روز ورودم در خدمتگزار هست خدایش توفیق دهد و شما را برو مهربان کند.

(۲) : انتخاب عنوان برای نامه‌ها از ما است و تاریخ نوشتن آنها بترتیب ذیل

است : نامه اولی و دومی از کرمانشاه در ۱۵ و ۲۳ جمادی الثانیه ۱۳۰۸ هجری و نامه سومی از بغداد، مورخ ۲۰ رجب همان سال ...

## چگونه مرا تبعید کردند؟

جناب نیر الفؤاد حاجی محمد حسن امین لا زال ثابتاً علی سبیل الرشاد را  
«سلامها» باد .

روز پنجشنبه در حضرت عبدالعظیم که از بیماری قدرت بر حرکت نداشتیم ،  
بیست نفر جلاد (فراش) عمر سعد (مختارخان) ریخند بمنزل (میین التجار هم بودند )  
مرا بغایت غضب و وحدت که نمونه‌ای از حد و کینه عساکر این زیاد بود ، کشیدند چون  
خوف آن داشتند که مبادا اندک اسلامی در قلوب اهل شهر مانده بسبب غیرت دینی از من حمایت  
کنند (و حال آنکه این خیال باطل و فکر محال بود ؛ چونکه اسلام و دین و غیرت و حمیت  
مدتیست که از آن «ولاء» هجرت نموده، چنانچه همیشه می گفتم) آنقدر مرا بسرعت می بردند  
و بشتاب می کشیدند که دکمه‌های قبا و پیراهن گلوی مرا چنان فشار داد که نفسم قطع شد  
بزمین افتادم! پس از آن به هیچگونه ندانستم که مرا به چه نوع به دارالاماره «عمر سعد»  
رسانیدند ، و تا مدت چهار ساعت هیچ نمی فهمیدم که در کجا هستم، چون به خود آمدم و عمر  
سعد و شمر را (حسن خان قروینی سر تیب سوار کشیک خانه) در حضور خود دیدم، و مدت سه  
ساعت هم بی عمامه بی رداء نشسته علی الاتصال آب می نوشیدم ، چونکه بسبب حبس نفس  
حرارت شدید در جگر حاصل شده بود (حتی تا کرمانشاه این باقی بود و می بایست روزی  
چهل بار آب بنوشم) .

پس از آن شمر گفت دو ساعت بیش بغروب نمانده باید سوار شد در این بین بمختارخان  
گفتم بگوئید کیف مرا که در آن اندکی پول است بیاورند ایشان بر خواسته رفتند و کیف را  
هم که در آن بعضی مبلغ و پاره‌ای اوراق و کتب بود ، ندادند ، هر چه گفتم بدیشان خبر دهید  
کسی هم بدیشان خبر نداد ، آخر الامر شمر گفتند وقت میگذرد ، ما کیف را برای شما بقم  
روانه خواهیم نمود .

پس يك بچه لباس مرا آورده با قلمدان و اسباب (چپق) و لکن یکی قلمدان را برداشت  
و دیگری اسباب چپق را و سیمی چوبدست را و الحاصل در محضر خودم ، آن چیزهای حقیر را هم  
نهب کردند ، همان عبا و لباده و دو قبا در جوالی گذاشته مرا بیک یا بوی لکنتی سوار نموده تا  
يك نیم ساعت سی سوار بامن آمدند ؛ پس از آن مرا در حالت بیماری و تنگ نفس و حرارت  
کبد به پنج سوار که رئیس ایشان سنان بن انس - که حمیدخان سرهنگ باشد- سپردند .

دیگر در بین راه بی بالا پوش... با همه آن بر فها و آن سرماهای شدید ، و آن خشونت اخلاق  
و عدم ایمان حارسین ، و در منزل گاهها بطویلها فرود آمدن ، آن عفونت ها، آن دودها ، دیگر  
خود شما تصور کنید که چه گذشته است . و از همه شکفت تر آنکه چند قران که در جیب بود

لشکر ابن سعد بدر بردند... در منزل دستگرد که در آنجا از عجائب اتفاقات، با حاجی ناصر اتفاق ملاقات افتاد و الحق ایشان کمال صفارا بجا آورده اسبی داشتند و خواستند از برای خلوص نیت بمن بدهند، ولی من قبول نکردم خدایا یارب باشد.

اینهمه را نوشتم، تا اینکه بدانید این مصائب همه بر بدن من وارد آمد، ولی در همه این حالات روح من مسرور بوده و هست و خواهد بود و بلاشک بعضی ایرانیان خواهند دانست که من برای اصلاح احوال صورتی و معنوی ایشان تا هر درجه ایستادگی دارم آنچه می گفتم نه از برای امر اوقات و گرمی مجلس بود و از خداوند تعالی خواهانم که این واقعه مهوله را یکی از اسباب فوز من قرار دهد و بدین مقصد عالم برساند، و دلهای پاکمنور به ایمان را شاد گرداند، آمین!

کاغذی به آقا محمد علی نوشته بودید، خواندم هیچوقت در صفای روح و نقاوت نفس و علو سجایای شما از یوم اول ملاقات، شبهه نکرده بودم، شکر شما با خداست و جزای شما از او است. آقا محمد علی الحق چون ملا علی همیشه در خدمتگزاری حاضرند و البته آنچه لازم باشد از ایشان گرفته خواهد شد. جناب حسام الملك تا امروز بسیار مجاملت می نمایند الحق اینهم عجیب است.

اکنون بیمارم و لهذا از رفتن و ماندن سخنی بمیان نیآورده است و امیدوار آنم که نه در عزم شما و نه در حرارت ایمانی شما نقصی حاصل شود. بلکه باید سپس این واقعه مهوله مترقب آن باشید که علی الدوام عجائب قدرت الهیه را در اعداء دین و دولت مشاهده کنید و بر مراتب ایمانی خود بیفزائید و عدل خدا را بدیده تحقیق بنگرید.

**وکیل الدوله** هم پیش من آمدند و اظهار نمودند هر چه بخواهید از اسب و نقدیه حاضریم. تشکر نمودم. آقا محمد علی میگفت که امین الدوله بصره نك پستخانه نوشته است که هر چه مرالزم باشد کار سازی کنند؛ ولی تا حال کتابت، نزد من نیامده است. حاجی ملك را سلام و فاضل خودم را درود می رسانم والسلام.

جمال الدین الحسینی

## تہمت‌های ناروا

نیر الفؤاد جناب محتشم مکرّم حاجی محمد حسن امین جعله الله ظہیراً للحق حیث ظہر و آتی... این زیاد کی بال رسول رحم کرده بود، آنکه سرانسانی را میبرد آیا پس از آن بکفن و دفن آن مشغول میشود؟ آنکسیکه سلاله علی (ع) را ارمنی و نا مختون شهرت میدهد آیا زاد و راجله اش عظامی نماید؟ اللعنة الله علی الکاذبین. بلی باید وقایع زمان گذشته و حال در هر چیز مشابه باشد، چونکه اشرار همگی، اگر چه در ازمه مختلفه به عالم وجود قدم نهند از یک شجره خبیثه می باشند و اعمال و اقوالشان همیشه مشاکل و مماثل بوده است و سنت الهیه هم در عالم خلق علی الدوام بر نهج واحد بوده و خواهد بود. اکنون باید منتظر عجایب قدرت الهی شد. من نصیحت دینیہ را بجا آوردم

بقیه در صفحه ۷۷